, ابر در ونمایه کتابها متمر کز کنند واجازه چاپ

هر کتابی با هر سطحی را ندهند می توان اعتماد بت به کتاب را دوبار ه به

رمی مواره ترزی کرد و ان از کالای لوکس به کالی فروری تبدیل کرد این این کنیشگذ کناب سالامه در تهران با حجم گستردهای بر گزار می گذارند آن موبا تحمولی کنیت سال الدک خوددلیلی است برای مخلفی کسه به کنابی از نمایشگاه به احتی بیدا کست مصن توری مناطب رکا به مدف خود مسالهای است که داد ما است مداخلی کسم مساله می مساله

می کندو هم گونه های مختلف اندیشیدن را در

کارشناسان امر کتاب مورد بررسی قرار بگیرد تااز یک چالش بزرگ خارج شــود این است که

نیستند. شاید در بدو امر این سوال پیش بیاید که مگر ممکن است کسی که کتاب مینویسد خوداهل مطالعه نباشه ۱۹۰۶ البته ایس را باید ذکر

کنم که این اتفاق ناخوشــایند هنــوز به صورت اپیدمی تبدیل نشــده اما در مقولههای مختلف

دارای ترولانسهای مختلف است. به طور مثال

در علومانسانی که ب

مرزهایعلومبایکدیگردارای

قسمتهای همپوشانندهای هســـتند قاعدتــا باید یک

نویســندهای در بخــش اد ا = آگاه در

کاملیی در علومیی چیون تاریخ، ادیان، روانشناسی،

فلسفه، جامعهشناسی،

مر ا موسیقی، زیباییشناسی و…نیز در کنار خودادبیات

مردمشناسیی، تئات

داشته باشدو به قولي جامع الأطراف باشدولي در واقعیت آیاچنین است؟ نکته ای کـه در علوم مختلف برای بس

ان می این می مرد موم محسف برای بسیاری از نویستندگان وجـود داردو ایشـان از این امر سوءاستفاده می کنند بحث «کپی پیست» کردن و به نوعی ســرقـتهای نوشــتاری است. یعنی

. سیاری از نویسندگان در علوم مختلف هستند

كه به جماي تحقيق و پژوهش و شمب بيداري و

قلم در چشم کردن، به راحتی حاصل دسترنج

دیگران را برداشته و با کمی تغییر در کتب خود به چاپ میرسانند که رفتاری است زشت و

ناپسیند که متاسیفانه وجود دارد.این عوامل و

كنار فاكتورهاى ديُگرى كه كُدوار بُدان هااشار هاي

کردم، قرار می گیرند نتیجــهای ندارد جز این که

مخاطب رااز سرمایه گذاری و خواندن کتابهای

ىختلف دور كرده و باعث مى شود سرانه مطالعا

ندگان صورت می گیرد و وقتی اینها را در

موامل دیگر، فاکتورهایی هُسَــ

یسیندن سات آگاهی به

ـیاری از افرادی که در علــوم مُختلف در حال تن کتاب هســتند خود اهل خواندن کتاب

قابل تأمل است. به بيانی ديگر روند ً ین دورہ خود نیازمند یک آسیب شناسی دقیق است. آسیب شناسی که هم روانشناسی مردمی را می طلبدو هم اطلاعات اجتماعی را در خواست

> فودبروزمیدهد. ر ، *زرر* ای نکتهای که بســـیار مهم اســت و باید توس

> > وشتن کتاب ،

از دست , فته مخاطب ن ر دست آورد و بدین وسیله کتاب را به سبد کالای مردمی دوباره تزریق کرد و آن را از کالای لوکس

يادداشتى پيرامون كتابنامه هاى ويرجينيا وولف كتابو كتابخواني

صابر ساده

ت به دلیل بروز و ظهور رسانههای

سال محسب به سین برور و مهر رید. دیداری واینترینی، کتاب دیگر حالت رسانهای بودن خود را از دست داده است و دیگر آن رسالتی که در گذشته داشته را ندارد. شاید با روی کار آمدن مداخل ســهل الوُصولى چــون اينترنت و ماهواره دستر سى به منابع مطالعاتي آسان تر شده

است اما همین سهل الوصول بودن و همیشه در دسترس بودن خود آفتی بزرگ برای افراد جامعه جهانی شده که دیگر کمتر به سراغ کتاب بروند و این تفکر که کتاب مورد نظر همیشه در اینترنت وجود دارد این خیال را در ذهن مخاطب پرورش

سىدهد كهاگر امروز به سراغ كتاب موردنياز نروم ستبلكه هروقت بخواهممي توانماز طريق

بنترنت وبافشــار دادن چند کلید بهسادگی هر

بنده این روند هرچقدر نکات مثبتی را با خودش

، داشته باشـد به تنبلی مخاطب نسبت به تلاش برای تهیه و خوانش کتـاب هدف نمی ارزد و این

در حالیست که تا همین چندسال پیش برای به دست آوردن و خواندن کتاب خوب و ارزشمند

می گرفت. اگر نگاهی به کتب گذشته خود بیندازیم بر امر مطالعــه و خوانش گنجینههای

مكتوب تأكيد بسيارى شده است و بدين وسيله بر امر مطالعه دقيق و اصولى انگشت گذاشته

شدهواين يعنى مطالعه وكسب دانش وتجربيات

، دانش در

و فاکتورهای بسیاری در امر عدم و کم شــدن بسیار مطالعه وجوددارد که هر کدام بحثی عظیم

ا می طلبد که در این مجــال نمی گنجد، با این ر می . اوصاف می توان به صورت تیتر وار به بعضی از این عوامل اشاره کرد:

لبان صور ت

به نظر میر سد اگر

ادارات مربوطه سختگيري

خود رابر درونمایه کتابها متمرکز کنندواجازه چاپ هر

کتابی با هر سطحی را ندهند

مخاطب نسبت به کتاب را

دوباره به دست آور د

ترفته

می توان اعتماداز دس

نلاشهای بسیاری از ســمت م

بسیار امر مهمی است. ساید به جرأت می توانـــم بگویم با

ین کــه سـطح تحصیلات

یں۔ کادمیےک مےردم بسیار

بالاست اما ميزان افراد

یکے از مہم ترین دلایے ایے ن موضوع قیمت بالای

کتابھاست یےا این کے متاسفانه درونمايه بسيارى

ز کتابها آنچنان که بایسته یک کتاب تخصصی است وجود ندارد و همین عامل باعث گریز مخاطب شده است. البته مسائل

-قيمت بالاي كتاب

-كيفيت پايين كتاب

لينترنت

- يا - بينان -ديريافت شدن بسيارى از كتاب ها -غلبه مقوله ترجمه بر تاليف

- ســهلالوصول بــودن بســيارى از منابع در

. -ضُعفهایاندیشهایودرونمایههای کتاب

-تبچاپ کتاب توسط بسیاری از مولفان بهویژهجوانان به جهت سودای شهرت -تیراژاندک کتابها

باســواد و صاحــب دانــ علــوم مختلف بالانيس

آنچە كەمىخواھەرا بەدست بىلۈرم كە بەز

سالھاسے

نوانديشي

مطالعه در

نگاهی بر چیستی مطالعه در ایران خواندن ادامه دارد



درنگ ادب و اندیشه

حامدداراب

در هماندیشــی اعضای ادبیــات، کتاب و حقوق شــهروندی به جمع بنــدی نکا تی رســیدیم که ترجیح

در جهانی که مازیست می کنیم، به بهانه حضور هجمه ای جریان تکنولوژیکی که در کنار همه تغییرها،

در چهای مدر است می تعدید است می تعدید است خار مطالعه و سرا آن ان ایز منفیر کرده است، رویکرههای کوتاکولی در خصوص رون و زیلی در خواندن ایجاد شده رویکره هایی که مطالعه پیوسته قندها، آسپستانناسی ها نظر بیر لورازی ها در محور آن قبل از مجهد، رویکره های که مطاله می سرا شیخی میکند، نخست ان پر شیک ایداده انداد بر این مهروز گارش همچون است لادی زیرک در کتاب چند فرهنگ کرایی ۱۹۹۹ آن رازار ایداده انداده بر این

ابورند که : مطالعه در ساختار گو هنگی مدرن باید روز آمد باشد و روش های الکترونیگی و تکنولوژ که . باورند که کاستره برای این روز آمد بودن استه اندیشسهای که اگر چه به چنین جریانی مشروعیت می بخشد اما از نقدهـا و گزار مهای تحلیل محور نیز خارج نیسـت تا آنجا که دسـته دوم، که اغلب پژوهشـگران

روانشــناس و روانكاو هستند و البته برخي انديشمندان نوين همجون نوام ج المسكور ا هم باغود همراه روانشــناس و روانكاو هستند او البته برخي انديشمندان نوين همجون نوام ج المسكور ا هم باغود همراه كردهاند را به ميدان مى كشد. افرادى كه معتقدند:«ســـاختار خواندن و خوانده شدن، از بستر تاويلي اش

جناست وباید از گرم مستقور میسر بندای قرار از آن که قرار بیرد. بایا بعده، سسله اعلامه در کسوره ، قبل آن آن که قرار باید به چنین مباحث شاختی و تحقیقی راه پیا کند آسیب های دوری عموری دوری فرهنگی خود را دارد. آسیب هایی که غیر از پر سی مالله هم پکشی دارد دواز سویی دیگره بند وضیبت فرهنگی از دیدگاه منتقدان ساختار گرا

مربوط می شود. با نیم نگاهی به همین موضوع، سـرویس ادبیات «شـهروند» در نوشـتارهای پیش رو، تلاش کرده است این این این می این می موضوع، سـرویس ادبیات «شـهروند» در نوشـتارهای پیش رو، تلاش کرده است

بدیم نامی به بین و نظوی سوزمین بین استوره از پوسانیون استان این از مانی برای این از مانی برا استان و افتیان مانی موجود و وقعیت مقالعه در کشور ما یا عنوان موضوع، چیزی نیست کم بر همگان خاصه نویسندگان، کاباخران متولیان مسئله کشاب و کانچاولی در جامعه ایوشیده باشد. کتاب و کانچاولی، سالتی نیست که با دستورالعالی معروم، اساستان یا خواص خواص قابل بیگیری در جامعهای ایشد که بیش از «کرد صد خانوارهای شهریدان ایرانی ش صاله شان بوش دادن می دادند.

حیاتی زندگی است. جایی که رســانه های دیگر تبلیغات ضد مطالعه و درک فرزانگی مور دنیاز انسان ها

در زندگی اجکام می ادرد. چکونه می توان از انفیای سکوت خور ده و سرما یه مار از این در بازار بنگاههای نیمه تعطیل انتشاراتی و سرخوردگان گفتمان با جامعه حال سخن گفت؟

کند

بم به عنوان در نگ شهروند به شما عزیزان تقدیم شود.

جداست و با بد در فر م مشخص و تفسیر شدهاش قرار بگیرد.»

کورش کرمپور 2h كليمد واژه اهفته كتماب، خود اكتاب، ني

ـت. کتاب به نس یا نشــدن ارزش هایش شــناخـته می شــود. اما خود مطالعه بهعنوان یک پدیده قابل سنجش، شکل های گوناگونی به خــود گرفته و این تنوع، یک نتیجه قابل قبول اندازه گیری شــده را، مدام بــه تأخیر می اندازد. خواندن «مــن - کالا» در قالب کتــاب، جای خود را بولیان به کالاهای متنی دیگری داده که رقیبی جدی برای کتاب شدہ

سب سده است. به عنوان مثال مشون موجز و مختصر همچون اسراهای ناستمو و جلات قصار و ـ که در قالب امراهای، شکلی نورین از مطالعه ارایه نادهاند که با صرعت و کوتاهی که دو ویژگی نوشتار این نوع امتن کالا، محسوب می شوده همخوانه داد. دد. حال که در گذشته همین نمونه ها به صورت گلچین در کتاب عرضه می شد و معمولا هم در قطع جیبی که حکم ااساماس»های الان را داشت. واحدهای اندازه گیری خوانش چنین متن هایی بسیار فرار و گریز پاس اما پرواضح است کنه به جهت کمی بالاست و قابل مرارش. با این اوصاف چنانچه بخواهیم در مورد وضع کتابخوانی قضاوتی کنیم بایدمتوجه باشیم آن را بانفس خواندن و مطالعه اشتباه نگریم. به عبارت دیگر کتابخوانی ملاک خواندن و مطالعه نیست.

تىبەتوانى ھەر كىچۈنلەن وھقانغەنىسى. تكنولوژى خواندن كە بە واسطە «متن – كالاھاى» جديد بروز و ظهور پيدا كـــردە، بر تعريف خود كتاب بەعنوان يک كالانيز تاثير داشتە و خوانش آن را تغيير دادمان

------شــکلهای نرمافزاری کتابها کــه از آنها ابر متن میســازد خوانشی شُبَکهای و چند رســانهای را رقم میزند. چند رسانهای شدن کتاب و عبور از دو ویژگی كلاسيك أن؛نسخهو تيراژ.

به نظر من مسأله امروز خواندن و مطالعه نبايد كتاب اشــد، بلکه خود خواندن و مطالعه اســت که باید در شکلهای نوین آن پیگیری وبررسی شود. در هم بافتگی متون به واسطه «مشارکتی» شدن

كتابخوانىشنيدارى!

خوباند این کتابهای شــنیداری که میش راحت memoryهای موبایل و memory . بر ااز آنها انباشت و ترافیک و مسیرهای طولانی اِ گرم در آغوش فشرد یا مثلاوقتی در مترو مثل گوشت آویزان، آویختهای به میله های سرد، گوش سپاری به افسون دگی جدید؛

آنها در فضای دیجیتال، نت و لینک ها و بی پایانی آنها

می تواند مرجع بودن چنین فضایی را زیر سوال ببرد و بار دیگر کتاب را به عنوان مرجعی قابل اعتماد باز تولید

سپارویه مسوریر می میشد. هرچنــد حــلاوت ورق زدن صفحــات کتاب و پیچیدن بوی کاغذ در مشــام، چیز دیگری است، اماچه میشــود کرد در این کلاتشــهر که نامش اما چه میسود درد در این کلاسیم در مدور تهران است و نیمی از عمر شهروندن آن در وسایل قلیه می گذرد و نیمی دیگر در خوابی نیمییداری هم غنیمتاند و غنیمتی بـارزش واگر باصدای گویندهای کاربلد همراه باشــد که دیگر هیچ از تویندهای کاربلد همراه باشــد که دیگر میچ از خودت می پرسی چه می شد اگر مسئولان، وقت و بخش اندکی از بودجههای هنگفت دولتی را مرف توليد انبسوه كتابهاى شسنيدارى كنند ط و توسعه فرهنگ کتابخوانی شــنیداری! نا وقتی ہے زحمت کتابی شےنیداری را در جہان ر ہی۔ رحمت منبی سمیدری را در جهان مجازی می یابی، وجــدان درد نگیری که آیا حق و حقوق مولف پر داخت شدہ است و تو اکنون مشغول سرقت فرهنگی نیستی؟! و چه خوب میشد که به عنوان يکي از مهم ترين راههـ اي برون رفت از معضل سرانه مضحک کتابخوانی در کشرور، به کتاب های شنیداری بیشتر توجه شود. برای جذب تمام سلایق بر تنوع این کتاب هاافزوده شود و حق مولفان را بپردازند و از فرو کردن شـعارهای ریز و درشـت در قالب این کتابها در گوش مخاطبان يرهيزند.چەخوبمى شد.

دیگر اعتبارش رااز کتاب بگیرد.

عدم درک چنین شـرایطی باعث شـده که برخی ا تاران بویژه در حوزه شعر یکی برای حفظ موقعیت از ناشران بهویژه در حوزه شعر برای حفظ موقعیت کلاســیک کتاب، تن به رفتار هایی بدهند که چندان شایسته جامعه ادبی نیست. چاپ ۲۰۰ نسخه به عنوان چاپ اول و ۲۰۰ نیخه بعد بهعنوان چاپ دوم توهین به شــعور مخاطب است. نهادینه کردن دروغ است. تفاوت یک بقــال و دلال با یک ناشــر در نوع زاویهای اســت که بامقوله سود و زبان نســبت به نقطه هدف تعریف می کنند؛نقطه هدف یک ناشر فقط نیاز سنجی

فرآيند توليد، توزيع ومصرف امتن - كالاهاى انوين سببت به متن - کالای کتاب، تفاوتی اساسی دارد و ن مشارکت مخاطب است در کل این فر آیند، بهویژه خش توزيع (تكثير) كەظاھرا ھمان، كېيرايت، است و یک بحران حقوقی تلقی می شود. اما چنانچه با دادن امتیاز اتی به مخاطب، «کپی رایت» را به عنوان شکلی از مشاركتاو دربخش توزيع مهندسي كنيم،از تهديد فرصتىساختەايم.

امد ث د

یک متن را از حصر مخاطبانی خاص خارج می کند یک متن را از حصر مخاطبانی خاص خارج می کند و همین خوانش ترکیبی در خوانش یک متن، طیف مخاطبان خود رامتنوع و گسترده می کند. شکل های سهلالوصول و قابل دسترس بودن تکنولوژی خواندن، به تکثر مطالعه کنندگان منجر شده و این بوضوع فى نفسه بد ن

اصلی می تواند کوتاه تر از میانبر آنها باشد. من نگران کتاب نیستم؛ مطالعه ادامه دارد.

- رو ، رو کر رو ، ۲۰ - در تکثیر بـالا و دم دسـت بـودن تکنولـوژی چند رسـانهای و ترکیب حواس خوانش، کاربری و مطالعه

ی شاعر،برای تلکه کردن آنهانی

میخواهم بگویم برخمورد تدافعی و کلاسمیک

۔ تکنولوژی چند ر سانەای بەويژە شفاهی شدن متو و تکثیر آنها یک مسأله است نه یک بحران. مساله را باید حل کرد و بحران همان حل نکردن مسأله است که رخ می دهد. ناشران ما به ویژه در بخش شعر میانبر دەاند درحالی که اگر به جای چاپ این همه کتاب ۲۰۰۰ نســخهای متعهدانه و خلاقانه میاندیشند راه

پایین آید و اینجاست که نقش استادان واقعی در علوم مختلف که کورهم نیستند و مسئولان دلسوز مطرح می شود تابتوانند با همکاری با یکدیگر و وضع قوانینی در جهت جـدا کردن ىرە از ناسرە بتوانند اطمينان مخاطب را براي بار ديگر جلب كنندواين امرى دير و دور نيا بیبر جیب اعساد بی سری یز و دور بیست و فقط کمی همت می خواهد و اندکی بر نامه ریزی دقیق ایران و ایرانی همیشه علاقهمندی خود را به مطالعه آثار خوب حفظ کرده است و باز هم حفظ خواهد کرد. به طور مثال اگـر ما ایرانی ها هل مطالعه نبوديه در آن زمان هايي كه بارها کتابخانهها در دورههای مغبول و ... به آتش کشیده شــد دیگر نباید کتابی نوشته می شد یا ببايد تلاشى براى احياى امر كتابخواني مى شداما ۰۰۰ - ای را ت ای را ۱۰۰ و کاری کی هر بار با قدرت بیشتری دست به زنده کردن امر کتابخوانی زده شد و امروزه با حضور و پیشرفت علوم مختلف نسبت به گذشته می توان حرکتی مظيم و دقيــق و به نوعي جهــادي را رقم بدين وسيله سرانه مطالعه واقعى بسيار افزايش ، ایکر با در مین بشود که اصلاروندی دور یابد، امیدولرم چنین بشود که اصلاروندی دور از ذهن نیست بلکه بسیار هم قابلیت اجرا دارد ر منوط به این که با برنامه ریزی و همکاری علمای سورتبگيرد.

اگر هر کــدام از ایــن عوامل را مورد بررســی قرار دهیم و در جهات رفع آنهــا بپردازیم اوضاع مطَّالعاتی مُردم بسیار افزایش پیدا خواهد کرد وگرنه هر میزان که زمان بگذرد از میزان بسامد

مطالعاتی مردمی کمتـر خواهد شـَـدو این در حالیست که سایر کشـورها تلاشهای ویژهای برای مـردمو مخاطبان خودانجــام میدهند تا ، مطالعه از چرخه مردمی خارج نشود. به طور مثال در اسپانیا بسیاری از کتاب ها بانوعی جوهر خاص نوشته می شوند که از زمان خارج شدن کتاب از مخاطبٌ ۳ ماه زمان دارد که کتاب را بخواند وگرنه به صورت خـود به خود مطالب ر بیتوندو ترخیه طورت خون به طور میشند. نوشته شده درون کتاب پاکمی شود. همین مثال ساده خـود نشـان دهنده ارزش مطالعه در کشـوری چون اسپانیاست یا در بسیاری از ىر ىسورى چون سپەيىسىت يادر بىسيارىاز كشورھاى عربى كتب با تيراژ بىسيار بالايى چاپ مىشود يا اين كە اھالى اندىشەو قلماز نظر مالى آنقدر تأمين هســتند كه دغدغهاي جز تاليف کتاب تازەتر ندارندو موارد بسیار دیگری که اگر با کمی دقت از سمت مسئولان مربوطه همراه شوند می توان مشکل کمبود سرانه مطالعه را برطر ف

کردو به یک فرم و عدد خوب جهانی برسیم، به نظر می رسداگر ادارات مربوطه سختگیری خود

کتاب کجای کار است؟

هستىدفترى منتقد

يعنى فكرمى كنما گرزحمت خواندن تابلوهاى سردر مغازههاراًبه خودندهیّم سرانه صفر شودو همه راحت می شوند. اگرچه می دانید که بر خلاف سایر کشورها می سوید، در چی می میی خبر کرک سیر صورت که یک آمار رسمی دارند،ماباید بین آمارهای بی شمار خودمان به نتیجه دلخواه بر سیم. چرا که همان موقع که آقای اشعری این نظر را داد منصور واعظی، دبیر کل نهاد کتابخانه های عمومی کشـور، گفته بود سرانه مطالعه هیچ هم کم نیسـت و ۱۸ دقیقه است و به ما چەاصلاكە حتى تركيەومالزى ھېسرانە ٥٠دقىقە دارند.بعدمحمدسالارى-مدير كل دفتر برنامەريزى و مطالعات فرھنگى و كتابخوانى وقت-باخوشحالى بودنو حین مصر اعت مسدینی می مور بین میشور ۱۲۰ دقیقه در روز مطالعه داریم، ۳۰ دقیقه بیشتر از ر کور دجهانی سرانه مطالعه اشماخودصاحباختیار هســتید که کدام را باور کنید.اما در ادامه دلایلی که گفتم با یــدبگویم دلایل در هم تنیــده و عمیق تری برای عدم علاقه به مطالعه وجود دارد. حالا که جدی شديم بايد بگويم نداشتن وقت، قيمت كتاب، يا عدم سىدىپوليە بىرىزىم ئىلىس ۋە يىھەت كىلىپ يۇ عىك دسترىپ يەلئەاست بىسيارى از دلايل واقعى رابايددر لايەھاى زىرىن فرهنگ بجوييم مئلات سلط فرهنگ شفاهى در ايران، خودبزرگ پندارى تاريخى، تنبلى و رخوت، عدم احساس نياز بەلغزايش آگاهى ومعرفت، کر - کار کار کار کار کار کار کار کار کار کهخودحاصل نداشتن سوال های تازه در ذهن است و بسیاری دلایلی که هرچند وقت یکبار نسل های جوان ومايل بهجريان روشنفكرى اندكى تغيير در آن ايجاد ىيى كە

اقىمت سىلىر كەر تمام زخمتش باز نگە داشىتى بشمها و خيره شدن به صفحه رنگی تلويزيون پستم، و حیرہ ستان به صفحہ رہی طوریوں ست. تازہ می توانی چند نفر دیگر را ھم شریک این ازنینم، قوه تخیلم را به کار بیندازم تا تصویر آنچه را که کتاب می گوید در ذهنم بســـازم! و مهم تر از همه فوشم بيايديانه! ديديد؟ اينطور مى شود كه ما كتاب میخوانیم! به سلولهای عزیر ذهنمان حرکت اضافهای تحمیل نمی کنیم. اصولا به چیزهایی به این عجیبی فکر نمی کنیم! من که می گویم همهاش تقصیراین تکنولوژی های جدیداست اولی باز می بینم طبق آخرین آمار بیگانه های نامرد! همین انگلیس ستعمار گر همه مردمش را اسمتعمار کرده و سرانه مطالعه را به ۵۵ دقیقه رسانده است! ما؟ بله عرض می کردم خدمتتان، اعلی اکبر اشعری، که تاسال ۸۹

تقصیر ما نیست! از هــر خیابانی که رد شــوی، بساطی هســت پراز فیلمهای رنگارنگ، با جلوههای ويژه بي نظير، موضوعات جديد، هيجان آور و متنوع. داستان های مهیج کنی، تخمه بشکنید، حرف بزنید، فیلم ببینید و چه و چه اما اگر در هر خیابان هم یک کتابفروشی باشد، کی میداند کجاست اصل؟! وقت کجا بود؟! کتـاب را بخرم، با ایــن قیمتهای گران، ببرم خانه، خط به خط بخوانم و علاوه بر چشــمهای اينهاداستان كه تمام نمى شودامگر من بين اين همه مشغله زندگى چقدر وقت دارم؟! ۱۰ شب بايد بخوانم تاکتاب تمام شــود، معلوم هم نیســـتاز آخر کتاب

اماوجه كالايي چنين مرجعي بايد باوجه كيفي خوانش های تکنولوژیک همراه شــود تا «خواندن» بار

ئیس کتابخانه ملّی بود، گفتُه بود سرانه مطالعه در بَران ۲ دقیقه است. چه اشکالی دارد خیلی هم خوب.

ر حارهای ریز و

عبدالصابر كاكابه

پشت فرمان نشستهای. در راهبندان کسالتآور فــلان بزرگــرام کلافــه شــدهای و از آهنگـهای ین برر سر ... مرعب سیمای و را مستقای تکراری ضبط صوت خودروات کلافهتر. پیچ رادیو رامی چرخانی. اخبار ساعت فلان و چند دقیقه بعد دوباره اخبار ساعت بهمان و تـو میلیمتر به میلیمتر جلوتر میروی و آسفالت سردرا میلیمتر به میلیمتر حــس میکنی، حتــی میتوانی این میلیمترها را بشــماری. میلیمترها چقدر شبیه ها هســــتند.و تو هر روز هــزاران از آنها را زیر سیکهای صاف شــده پرایدت لــه میکنی. هزاران ّهزار. ناگهان از کلافگی در داشــبورد را باز می کنی و بی جهت در آن دست می چرخانی و flashmemory سبزرنگی در دستانت جاخوش فبرهناى ينأسآور وجزييات كشنتارهاى تمام حبرهای یاس اور و جریت مسارمی کنیز نقاط جهان دست برمی دارد و می ود یک کارش. تو می مانی و راهبندانی که پیش چشمت کم کم محو می شود و صدای بوقهایی که کم کم محو می شوند تو می مانی و صدای گرمی که از انتخاب

میشوند تومیمانی و صدای گرمی نماز انتخاب این کتاب شنیداری از تو تشکر میکنده سبکی تصوایایدیر هستیا در جامعای که شتاب جزو لاینفک آن شده است و آدمها، ثانیعهاو ساعتها را در جیبهای سوراخ شدهشان میریزندو تا به خانه میرسند، چیزی از آن باقتی نمیماند، چه